



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517758.1401.12.14.1.2>

بررسی عوامل تطبیقی انسجام نحوی و واژگانی انشاهای دانش‌آموزان سال سوم و پنجم ابتدایی شهرستان شهریار به منظور ارائه راهکارهای آموزشی مناسب

فرزانه فرضی^۱، فاطمه متقی‌پور^۲، مریم طاهرزاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵

چکیده

پژوهش حاضر، با اتخاذ رویکرد هلیدی (۱۹۷۶) به "بررسی تطبیقی عوامل انسجام نحوی و واژگانی انشاهای دانش‌آموزان سال سوم و پنجم ابتدایی" می‌پردازد. این پژوهش، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است. سؤال‌های پژوهش: "الف- رشد کدام یک از ابزارهای نحوی باعث می‌شود که انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم از انسجام بیشتری برخوردار باشد؟ ب- چرا به لحاظ واژگانی، دانش‌آموزان پایه پنجم در قیاس با دانش‌آموزان پایه سوم انشاهای منسجم‌تری می‌نویسند؟" می‌باشند و فرضیات این پژوهش عبارتند از: "الف- داشتن ابزارهای نحوی بیشتر مانند ارجاع، حذف و ربط باعث انسجام بیشتر انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم می‌باشد. ب- به نظر می‌رسد افزایش ذخیره واژگانی و رشد فرایند صرفی مانند: تکرار، باهم‌آیی و هم‌معنایی باعث منسجم‌تر شدن انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم است." هدف از این پژوهش تعیین پیشرفت نگارش دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم است. جامعه آماری این پژوهش: شامل دو دسته از انشاهای دانش‌آموزان پایه‌های سوم و پنجم ابتدایی است. در این پژوهش داده‌های به دست آمده از انشاهای دانش‌آموزان دو پایه، مورد بررسی کیفی قرار خواهند گرفت، به این ترتیب که تک‌تک جملات این انشاها از نظر نحوی و واژگانی بررسی می‌شوند. با توجه به داده‌های به دست آمده معلوم شد که دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم از عوامل نحوی و واژگانی بیشتری استفاده کرده‌اند و این نتیجه به دست آمد که افزایش ذخیره واژگانی و قواعد نحوی دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم باعث شده است که دانش‌آموزان پایه پنجم انشاهای منسجم‌تری نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم بنویسند.

واژه‌های کلیدی: انسجام، انشا، متن، هم‌معنایی، انسجام نحوی، انسجام واژگانی

۱- کارشناس ارشد و دبیر آموزش و پرورش شهرستان شهریار، ایران. f.farzei84@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، تاکستان، ایران.

دبیر آموزش و پرورش شهرستان شهریار (نویسنده مسول): nahidmottaghi7@yahoo.com Email:

۳- دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دبیر آموزش و پرورش شهرستان شهریار , Email: Mataherzadeh@yahoo.com

۱- مقدمه

با توجه به آراء و عقاید این زبان‌شناسان، انشاهای دو پایه سوم و پنجم ابتدایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. اگر انشاهای دانش‌آموزان (به لحاظ زبان‌شناختی) دارای متن‌های مطلوب و قابل فهم باشند، نشانگر پیشرفت آنها در استفاده بهینه از واژگان و عوامل نحوی است. یکی از عواملی که در بررسی واژگانی و نحوی این دو گروه انشا مد نظر قرار خواهد گرفت، انسجام است که این عامل لازمه متن می‌باشد. انسجام دارای ابزارهای متعددی است که شامل حذف، جانشینی، ارجاع، عناصر ربطی، تکرار، باهم‌آیی، شمول معنایی و رابطه جز به کل می‌گردد. باهم-آیی مربوط به هم‌نشینی کلمات در متن است که شامل کلمات مترادف و متضاد نیز می‌گردد. فرض بر این است که وجود یا عدم وجود این عوامل در انشاهای مذکور، نشانگر تبحر استفاده کنندگان از ذخیره واژگانی مؤثر خواهد بود و همچنین فرض بر این است که عوامل انسجام نحوی می-تواند در انشاهای پایه پنجم نسبت به پایه سوم پیشرفت بیشتری داشته باشد و مهارت نوشتار دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به پایه سوم بیشتر شده باشد.

۱.۱. متن

هلیدی و حسن (۱۹۸۹) بر این عقیده‌اند که کلمه متن در زبان‌شناسی به هر گونه زبان اعم از نوشتاری یا گفتاری اطلاق می‌شود که تشکیل یک واحد را می‌دهند. متن واحدی منظور شناختی است که می‌تواند در قالب صورت‌های مختلف گفتاری و نوشتاری مانند: نظم، نثر، مکالمه، ضرب‌المثل، نمایش و غیره ظاهر شود. آنها

زبان‌شناسی متن^۱ یکی از شاخه‌های مهم زبان‌شناسی است که از دیرباز توجه بسیاری از زبان‌شناسان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است. آفاگل‌زاده (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان "زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن" زبان‌شناسی متن را شاخه‌ای از تحلیل گفتمان می‌داند که بر مطالعه متون تأکید می‌ورزد و بیشتر با انسجام ساختاری متن سروکار دارد. در واقع زبان‌شناسانی مانند هلیدی و حسن (۱۹۷۶) با استفاده از عواملی که در زبان‌شناسی متن مد نظر قرار می‌دهند، کیفیت یک متن را به لحاظ رسایی، فهم‌پذیری و پیام‌رسانی مورد مطالعه قرار می‌دهند. از عوامل انسجام متن می‌توان به عامل‌های حذف، ارجاع، ربط، تکرار، جانشینی و باهم‌آیی اشاره کرد. آنها وجود این عوامل در متن را باعث رسایی و فهم‌پذیری بیشتر متن می‌دانند. هدف اصلی آموزش در دوره ابتدایی آموختن مهارت گفتن، خواندن و شنیدن است، ولی متأسفانه بعضی از دانش‌آموزان در دوره راهنمایی و بالاتر با مشکل نوشتن مواجه هستند. برای دست یافتن به علت این مسأله، در این پژوهش تعدادی از انشاهای دانش‌آموزان سال سوم ابتدایی و سال پنجم ابتدایی، مورد بررسی قرار می‌گیرد تا کاربرد عوامل انسجام نحوی و واژگانی در بین انشاهای دانش‌آموزان این دو پایه مقایسه شود و از سوی دیگر، نشان‌دهنده وضعیت کتاب‌های "بخوانیم و بنویسیم" در این دو پایه باشد.

اصطلاح انسجام استفاده می‌کنیم، تأکید ما بیشتر بر کارکرد نحو در ایجاد ارتباط است.

بنابراین، مهم‌ترین واحدهای نحوی هم واحد-های وابسته به هم هستند مثل گروه که از حداقل یک هسته و یک کلمه وابسته به آن تشکیل شده، بند که حداقل دارای یک اسم یا یک گروه اسمی و یک فعل و گروه فعلی می‌باشد و جمله که حداقل دارای یک بند غیر مستقل می‌باشد. تمام این واحدها، در متن‌های بزرگتر، وسیله‌هایی هستند که می‌توانند ساختار و الگوهای استفاده شده در آن را نشان دهند و باعث ثبات و اقتصادی شدن متون می‌شوند. انسجام در داخل یک گروه، بند و یا جمله خیلی واضح‌تر از انسجام بین دو یا چند واحد می‌باشد. پس رابطه-هایی که بین واحدهای یک متن به وجود می‌آیند، ارزشمند است.

هلیدی و حسن (۱۹۷۶:۲۲۶) دربارهٔ عناصر ربطی آورده‌اند که طبیعت ربط متفاوت از سایر انواع ارتباطات انسجامی مانند ارجاع، جانشینی و حذف است. ربط فاقد ارتباطات ارجاع پیش مرجعی است. حروف ربط به صورت غیرمستقیم و به واسطه معنای خاصشان انسجامی‌اند و نه به خودی خود. آنها در بدو امر ابزارهایی برای رسیدن به متن پیشین یا بعدی نیستند، بلکه بیان کننده معانی می‌باشند که پیش‌انگاره اجزای دیگر در کلام می‌باشند.

هلیدی و حسن (همان) به مقایسه انواع ارتباطات انسجامی می‌پردازند و جانشینی و حذف را دقیق‌ترین ارتباطات انسجامی می‌دانند و جانشینی را صرفاً "ارتباط واژگانی در نظر گرفته-

معتقدند که اگر بخواهیم به ساده‌ترین تعبیر متن را بیان کنیم، می‌توانیم آن را به زبانی بدانیم که دارای نقش است. بر این اساس هر نمونه از زبان زنده که نقشی در بافت موقعیت داشته باشد متن، خوانده می‌شود.

۲.۱.۱. انسجام

هلیدی و حسن (۱۹۷۶) روابط انسجامی را به صورت زیر تعریف می‌کنند: "روابط انسجام، روابط بین دو یا چند عنصر در یک متن است که مستقل از ساختار هستند". آنها همچنین مطالبی را در مورد "انسجام واژگانی" بیان می‌کنند.

بوگراند و درسler^۱ (۱۹۸۱:۵۲) می‌گویند که یکی از معیارهای متن‌بودگی انسجام است. انسجام عاملی است که مؤلفه‌های روساختی متن، یعنی گفتمان را در واقع آن‌گونه که ما آن را می‌شنویم و می‌بینیم، با یکدیگر پیوند می‌دهد. مؤلفه-های روساختی به واسطه توافق‌های نحوی به یکدیگر وابسته‌اند به گونه‌ای که انسجام بر مبنای وابستگی نحوی شکل می‌گیرد. انسجام رابطه نحوی بین واحدهای متن است که ترجیحاً "فراتر از جمله را در برمی‌گیرد. روابط انسجام در درون جمله اغلب با روابط ساختار سازه‌ای، یعنی با روابطی که در نحو رایج هستند هم‌پوشی دارد.

۱.۲.۱.۱. انسجام نحوی

بوگراند و درسler (۱۹۸۱:۵۴) معتقدند که انسجام به طرق مختلف در متن ظاهر می‌شود و واضح‌ترین نوع انسجام که در متن وجود دارد در "نحو" آن زبان قرار دارد و در واقع وقتی از

آنها معتقدند که همواره در متن برای شنونده امکاناتی وجود دارد که بسیاری از تعبیر و تفاسیر جملات را که به صورت مستقیم در جمله نیامده است را دریابد. البته آنها اشاره می‌نمایند که باید بین دو نوع نشانه‌های موجود در متن که برای تأمین آنچه ناگفته باقی مانده است، تفاوت قائل شد چون تنها یک نوع آنها مربوط به حذف می‌باشد و آنجاست که نوعی از پیش‌انگاره‌ها در ساختار آنچه قرار است تأمین شود، وجود داشته باشد.

۱،۱،۲،۱. ۲. جانشینی

هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۸۸) در مورد جانشینی آورده‌اند: "جانشینی عبارتند از: جایگزین کردن عنصری به جای عنصر دیگری در متن." سپس به بررسی تفاوت جانشینی و ارجاع می‌پردازند و می‌گویند که جانشینی ارتباطی در سطح عبارت-پردازی می‌باشد، در حالی که ارجاع در سطح معناست.

۱،۱،۲،۱. ۳. ارجاع

هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۳۱) می‌گویند که در هر زبانی عناصری وجود دارند که به عناصر دیگر جهت تعبیر برگردانده می‌شوند. این عناصر شنونده را هدایت نموده تا بجای دیگری جهت یافتن تعبیرشان مراجعه نمایند. این عناصر واجد مشخصه‌های ارجاع هستند.

در زبان انگلیسی ارجاع به سه نوع ارجاع شخصی، ارجاع اشاری و ارجاع سنجشی تقسیم می‌گردد. آنها همچنین ارجاع را به دو بخش "ارجاع موقعیتی" و "ارجاع متنی"، تقسیم می‌کنند. ارجاع موقعیتی را برون‌واژگانی و ارجاع

اند. آنها بعد از این جانشینی و حذف، به ارجاع می‌رسند و معتقدند که ارجاع صوری نیست، بلکه ارتباطی معنایی است. سپس به رابطه می‌پردازند و آن را ارتباط معنایی از نوع متفاوتی می‌دانند: "ارتباطی که نوعی دستور کاوش برای (یافتن مرجع) نیست، بلکه مشخصه‌ای است که نشان می‌دهد، آنچه در ادامه می‌آید به صورت نظام‌مند مربوط به آن چیزی است که قبلاً آمده است".

البته هلیدی و حسن گفته خود را تا حدی تعدیل می‌نمایند و می‌گویند ارتباطات ناشی از حرف ربط مربوط به توالی خاصی در جملات نیست که تنها آن توالی منجر به ایجاد ارتباط گردد، بلکه توالی‌های دیگر نیز همان ارتباطات انسجامی را پدید می‌آورند و منجر به انسجام متن می‌گردند. هلیدی و حسن به تقسیم‌بندی انواع ربط می‌پردازند و برای هر نوع مثالی می‌آورند. از نظر آنها انواع ربط عبارتند از: افزایشی، تقابلی، علی، زمانی، تقیضی، شرطی، توضیحی، تخصیصی و امتیازی.

۱،۱،۲،۱. ۱. حذف

هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۱۴۲) حذف را جانشین صفر می‌نامند و بحث خود را راجع به حذف چنین آغاز می‌کنند که حذف چیزی است که گفته نشده ولی حضور دارد (یعنی علی‌رغم اینکه بیان نشده ولی درک می‌شود) البته این گفته نشدن، مفهوم فهمیده شدن را در خود دارد که به معنای این است که چیزی گفته نشده، ولی فهمیده می‌شود.

هلیدی و حسن (۱۹۷۶) انسجام واژگانی را حاصل انتخاب واژگان خاص در متن می‌دانند و بحث خود را در این مورد با اسم‌های عام شروع می‌نمایند و در نهایت این طور نتیجه‌گیری می‌کنند که استفاده از اسامی عام به‌عنوان عناصر انسجامی زیر مجموعه بحث کلی‌تری با عنوان بازآیی می‌باشد. "بازآیی" خود صورتی از انسجام واژگانی است که نه تنها تکرار خود کلمه، بلکه تکرار مترادف‌ها را شامل می‌شود. به‌طور کلی بازآیی به چهار دسته تقسیم می‌گردد که عبارتند از: تکرار لغت، تکرار مترادف‌ها، تکرار شمول معنایی و تکرار کلمه عام.

۱،۱،۲،۲. باهم‌آیی

هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۲۸۴) باهم‌آیی را مربوط به عناصری می‌دانند که مجاورت آنها در کلام، در به وجود آمدن متنیت و انسجام کمک می‌کند. این عناصر به‌صورت مداوم در متون، در کنار هم ذکر شده‌اند، اگر چه ممکن است حتی دو واژه غیر مترادف مثل دختر و پسر باشند.

آنها معتقدند مواردی چون تضادهای معنایی از انواع مختلف آن همچون مکمل‌ها مانند نشستن و ایستادن، متضادها مانند دوست داشتن و متنفر بودن، و تقابل‌ها چون دستور دادن و اطاعت کردن، و همچنین کلماتی که به‌صورت سری می‌آیند مانند روزهای هفته، اجزاء پول، رنگ‌ها و غیره، جزء انسجام واژگانی‌اند.

همچنین آنها واژگانی که دارای رابطه جزء به کل می‌باشند مانند ماشین و دنده را زیر مجموعه انسجام واژگانی ذکر می‌کنند و می‌گویند همه

واژگانی را درون واژگانی می‌نامند. ارجاع درون واژگانی را نیز به دو قسمت "مرجع‌دار پیشین" و "مرجع‌دار پسین" تقسیم می‌نمایند. البته آنها ذکر می‌کنند که هدفشان پرداختن به ارجاع درون واژگانی است و وارد جزئیات ارجاع برون واژگانی نخواهند شد.

سپس هلیدی و حسن (همان) به بررسی انواع ارجاع می‌پردازند و می‌گویند: "ارجاع شخصی، ارجاع به واسطه نقش در موقعیت زبانی از طریق مقوله شخصی است. ارجاع اشاری، ارجاع به واسطه مکان بر اساس معیار مجاورت است و ارجاع سنجشی، ارجاع غیرمستقیم به واسطه همانندی یا تشابه است".

آنها ارجاع شخصی را به سه بخش ضمیرهای شخصی، صفات ملکی و ضمائر ملکی تقسیم می‌کنند که ضمائر شخصی شامل ضمائر فاعلی و ضمائر مفعولی می‌باشند. هلیدی و حسن همچنین از میان ضمائر فاعلی *he, she, it, they* و حالت‌های مفعولی و صورت‌های صفات ملکی و ضمائر ملکی آنها را، جزو عوامل انسجام می‌دانند. هلیدی و حسن در ادامه به ارجاع سنجشی می‌پردازند و آن را به سنجش کلی و جزئی تقسیم می‌نمایند. ارجاع سنجشی کلی را شامل همانندی، تشابه و تفاوت؛ و ارجاع سنجشی جزئی را شامل عدد و صفت می‌دانند.

۱،۱،۲،۲. انسجام واژگانی

هلیدی و حسن (۱۹۷۶) انسجام واژگانی را به دو دسته کلی بازآیی و باهم‌آیی تقسیم می‌کنند که هر کدام به دسته‌های دیگری تقسیم می‌شوند.

۱،۱،۲،۲. بازآیی

بنابراین متن نمونه‌ای از محصول و فرایند داشته باشید، اگر در دو جمله مجاور بیابند، باعث به وجود آمدن انسجام می‌گردند. هلیدی و حسن همه این موارد را تحت عنوان باهم‌آیی مطرح نموده‌اند.

به‌طور کلی از عوامل انسجام متن می‌توان به عامل‌های حذف، ارجاع، ربط، تکرار، جانشینی، باهم‌آیی اشاره کرد. آنها وجود این عوامل در متن را باعث رسایی و فهم‌پذیری بیشتر متن می‌دانند.

۲. پیشینه تحقیق

بوغراند و درس‌لر (۱۹۸۱) متن را یک رویداد ارتباطی می‌دانند که برخوردار از هفت معیار متن-سازی می‌باشد. اگر یکی از این معیارها در متن نباشد، متن ارتباطی نخواهد بود. این معیارها عبارتند از:

انسجام، پیوستگی، هدفمندی، قابل‌پذیرش بودن، اطلاع‌رسانی، موقعیت، ارتباط بین متن هلیدی و حسن (۱۹۸۹) بر این باورند که نکته مهم در ارتباط با ماهیت متن این است که متن دارای هویت معنایی می‌باشد و این معنا در کلمات و جملات رمز گذاری می‌شود تا قابل ارتباط گردد. بر این اساس نمی‌توان متن را بسط تئوری و دستوری زبان تلقی نمود و برای آن سیستم‌های ساختاری منظور کرد. یکپارچگی موجود در متن ناشی از یکپارچگی معنا در بافت می‌باشد. هلیدی و حسن همچنین معتقدند از آنجا که متن دارای یک هویت معنایی می‌باشد، در آن واحد از دو منظر باید مورد توجه قرار بگیرد، یعنی متن به عنوان محصول و متن به عنوان فرایند.

حسن‌نیا (۱۳۸۰) پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را تحت عنوان بررسی کاربرد عوامل انسجام متن در نوشتار دانش‌آموزان، بر مبنای دیدگاه‌های هلیدی و حسن (۱۹۷۶) می‌باشد. وی عوامل انسجام متن را در نوشتار دانش‌آموزان پایه سوم راهنمایی بابل بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که ارجاع شخصی و ربط پر بسامدترین ابزارهای انسجامی و جانشینی کمترین میزان کاربرد را در نوشتار دانش‌آموزان دارد.

آقاگل‌زاده (۱۳۸۳) در مقاله‌ای تحت عنوان زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن، به رویکردهای تولید و درک متن که کاربرد وسیعی در تحلیل گفتمان انتقادی، سبک‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی اعم از آموزش زبان بخصوص در مهارت‌های نوشتن و خواندن و درک متن دارد، اشاره می‌کند.

۳. روش تحقیق

دلیل این مقایسه آن است که نشان دهیم رشد کدام یک از ابزارهای نحوی و واژگانی باعث می‌شود که انشاهای دانش‌آموزان دارای انسجام بیشتری باشد.

لازم به ذکر است که چون عامل جانیشینی، عوامل ربط امتیازی و عوامل ربط شرطی، همچنین شمول معنایی از عوامل انسجام واژگانی در هیچ کدام از انشاهای دیده نشده و یا به میزان بسیار کمی به کار رفته از ذکر آنها صرف نظر شده است.

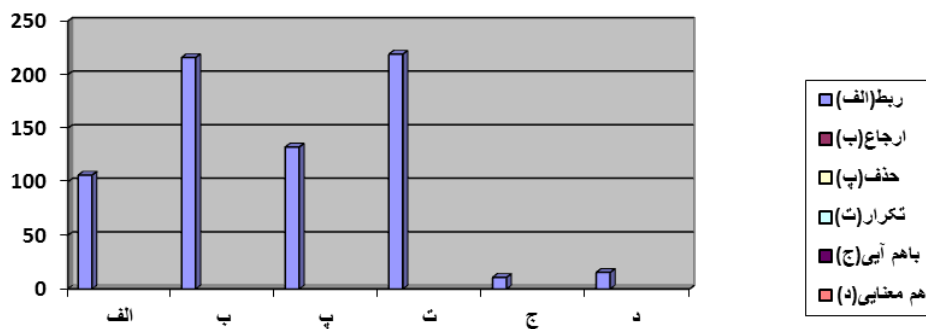
۴. تحلیل داده‌ها

برای مقایسه عوامل انسجام نحوی و واژگانی بین انشاهای دانش‌آموزان پایه‌های سوم و پنجم ابتدایی ابتدا باید آماری از تعداد و درصد هر یک از عوامل انسجام نحوی و واژگانی موجود در انشاهای مشخص گردد، همان‌طور که ملاحظه خواهد شد، نتایج به دست آمده را می‌توان در نمودارهای زیر ملاحظه کرد.

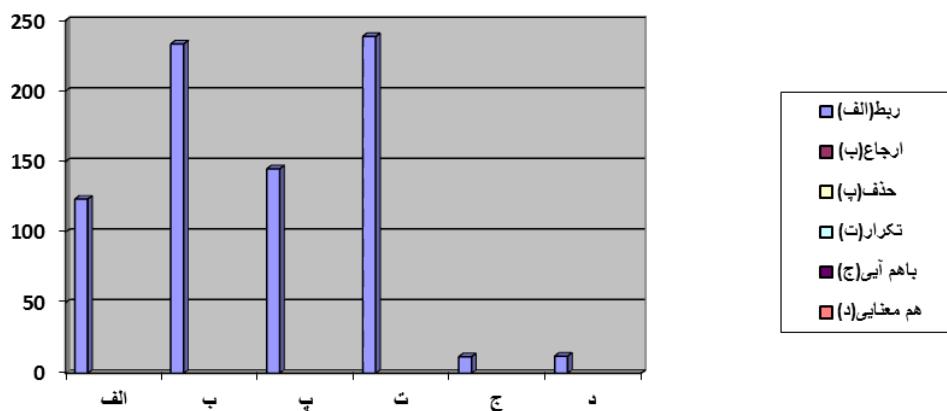
پژوهش حاضر، مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است و از نظریه هیلیدی (۱۹۷۶) استفاده شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل دو دسته از انشاهای دانش‌آموزان پایه‌های سوم و پنجم ابتدایی دبستان دخترانه فجر شهریار می‌باشد که جمعاً ۲۰ نمونه از انشاهای این دانش‌آموزان در این تحقیق استفاده شده است.

این انشاهای با موضوع یکسان بهار می‌باشد و از یک مدرسه جمع‌آوری شده است. انشاهای دانش‌آموزان هر دو پایه از لحاظ انسجام نحوی و واژگانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. برای جمع‌آوری داده‌های انسجام نحوی انشاهای از لحاظ جانیشینی و ارجاع شامل: ارجاع شخصی، ارجاع افزونه فعلی، ارجاع اشاری، ارجاع سنجشی و ربط شامل: افزایشی، علی، زمانی، نقیضی، شرطی، توضیحی، تخصیصی، امتیازی و حذف شامل: حذف به قرینه لفظی، حذف به قرینه معنوی مورد بررسی قرار خواهد گرفت و سپس داده‌های انسجام واژگانی شامل: تکرار، باهم‌آیی، هم‌معنایی مورد بررسی قرار خواهد گرفت، به این ترتیب ابتدا تعریفی از انسجام نحوی و واژگانی بیان کرده و سپس وجود این عوامل از لحاظ تعداد مشخص گردیده، آنگاه نتایج به دست آمده از هر دو پایه انشا با هم مقایسه شده و نتیجه این مقایسه روی نمودار به نمایش درآمده و تفسیر خواهد شد. روش کار به این ترتیب است که پس از بیان هر انشا، عوامل ذکر شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت، آنگاه نمودار مقایسه بین دو پایه از انشاهای و تفاسیر آنها ارائه خواهد گردید.



۱.۴. نمودار ستونی از کل داده‌های جمع‌آوری شده انشاهای پایه سوم ابتدایی



۲.۴. نمودار ستونی از کل داده‌های جمع‌آوری شده از انشاهای پایه پنجم ابتدایی

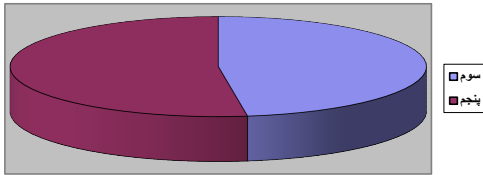
یکی دیگر از ابزارهای انسجام، عوامل ربط می‌باشند. عوامل ربطی، سهم مهمی در پیوند زدن بخش‌های مختلف یک متن دارند. عوامل ربطی واژه‌هایی هستند که میان جملات و کلمات را پیوند زده و از سوی دیگر، نوع رابطه‌ای را که میان جملات حکم فرماست، تعیین می‌کنند. در این پژوهش منظور از عوامل ربطی، ربط افزایشی، علی، زمانی، نقیضی، توضیحی و تخصیصی می‌باشد که طبق بررسی‌های انجام شده، این موارد بیشترین کاربرد انسجام نحوی را در انشاهای هر دو پایه سوم و پنجم ابتدایی دارند.

۱.۴. انسجام نحوی

در بررسی متنی انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی، انسجام نحوی مورد مطالعه قرار گرفته است. انسجام یکی از معیارهای متن-بودگی است و عاملی است که مؤلفه‌های روساختی متن، یعنی کلام را در واقع آن‌گونه که ما آن را می‌شنویم و می‌بینیم با یکدیگر پیوند می‌دهد. انسجام نحوی خود نیز به عواملی تقسیم می‌شود که در این پژوهش به عامل‌های ربط، ارجاع و حذف پرداخته شده است.

۱.۴.۱. ربط

عوامل حذف، حذف به قرینه لفظی و حذف به قرینه معنوی می‌باشد که طبق بررسی‌های انجام شده، این موارد دومین رتبه کاربرد انسجام نحوی را در انشاهای هر دو پایه سوم و پنجم ابتدایی دارند.



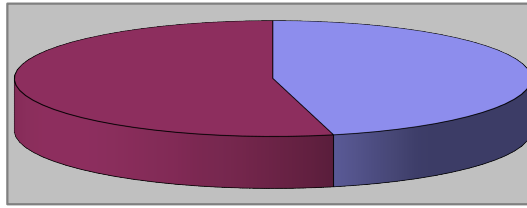
۵,۴. نمودار دایره‌ای حذف در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی

۲,۴. انسجام واژگانی

پیوستگی هنگامی برقرار می‌شود که تعبیر و تأویل چند عنصر در گفت‌وگو، به یکی از عناصر دیگر وابسته باشد، یعنی یکی به دیگری دلالت کند، بدین معنا که بدون توسل جستن به دیگری، متن به صورت مناسب قابل درک نباشد. این گونه از پیوند به رابطه میان واژه‌ها و کاربردشان در همنشینی با یکدیگر مربوط می‌شود. انسجام واژگانی خود نیز به عواملی تقسیم می‌شود که در این پژوهش به عامل‌های تکرار، باهم‌آیی و هم‌معنایی پرداخته شده است.

۱,۲,۴. تکرار

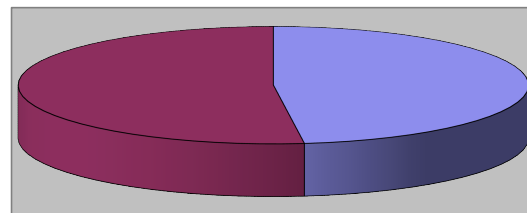
منظور از تکرار، از سرگیری یک عنصر از متن است که یک‌بار در متن پسین آورده شده است. با اینکه تکرار بیشتر در مقوله‌های دستوری است، ولی در واژه‌ها نیز وجود دارد. در این پژوهش منظور از تکرار در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم



۳,۴. نمودار دایره‌ای عامل ربط در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی

۲,۱,۴. ارجاع

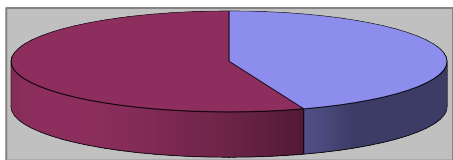
یکی از ابزارهای انسجام موجود در هر زبانی وجود عوامل ارجاعی می‌باشد. این عناصر در حقیقت شنونده را هدایت می‌کند تا به جای دیگری، جهت یافتن تعبیرشان مراجعه نمایند. در این پژوهش منظور از عوامل ارجاعی ضمیرهای اشاره، ضمیرهای شخصی، صفات سنجشی می‌باشد که طبق بررسی‌های انجام شده، این موارد بیشترین کاربرد انسجام نحوی را در انشاهای هر دو پایه سوم و پنجم ابتدایی دارند.



۴,۴. نمودار دایره‌ای عامل ارجاع در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی

۳,۱,۴. حذف

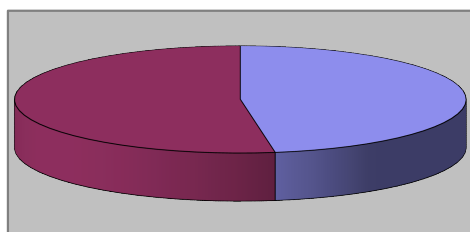
یکی دیگر از ابزارهای انسجام، عوامل حذف می‌باشند. حذف به معنای چیزی است که گفته نشده ولی حضور دارد؛ یعنی علی‌رغم این که بیان نشده، درک می‌گردد. در این پژوهش منظور از



۸,۴. نمودار دایره‌ای هم‌معنایی در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی

۵. نتیجه‌گیری

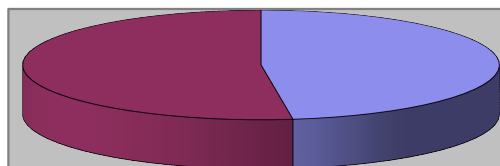
در پایان به منظور جمع‌بندی بهتر، ابتدا نتایج به دست آمده از انسجام نحوی و واژگانی انشاهای دانش‌آموزان هر دو پایه سوم و پنجم ابتدایی در یک نمودار مجزا ارائه خواهد شد و سپس یک نمودار تجمیعی از داده‌های جمع‌آوری شده از انشاهای پایه سوم و پایه پنجم ابتدایی ارائه خواهد شد



۱,۵. نمودار دایره‌ای کلی از انسجام نحوی در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی

با توجه به نمودار فوق درمی‌یابیم که انسجام نحوی در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم ۴۵,۴۶ درصد و انسجام نحوی در انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی ۵۰,۱۸ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر، انسجام نحوی در انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم بیشتر از انسجام نحوی در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم است.

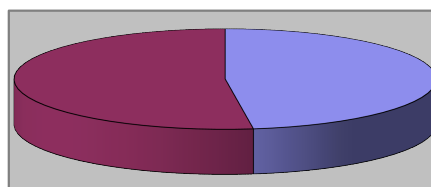
و پنجم، تکرار واژه‌های به کار رفته در متن این انشاهاست که به مقایسه پرداخته شده است.



۷,۴. نمودار دایره‌ای تکرار در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی

۲,۲,۴. باهم‌آیی

مفهوم باهم‌آیی به عناصری اطلاق می‌شود که مجاورت آنها در متن باعث ایجاد متنیت و انسجام می‌شود. طبق بررسی‌های انجام شده، این مورد کمترین کاربرد انسجام واژگانی را در انشاهای هر دو پایه سوم و پنجم ابتدایی دارند.



۷,۴. نمودار دایره‌ای باهم‌آیی در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی

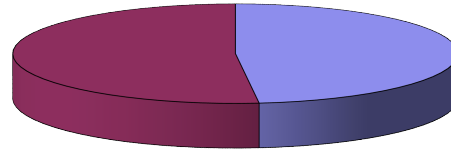
۳,۲,۴. هم‌معنایی

یکی دیگر از ابزارهای انسجام، عامل هم‌معنایی می‌باشد. هم‌معنایی در بحث حاضر شامل کلمات مترادف و متضاد می‌باشد که در یک متن کنار یکدیگر می‌آیند. طبق بررسی‌های انجام شده، این موارد دومین عامل کاربرد انسجام واژگانی را در انشاهای هر دو پایه سوم و پنجم ابتدایی دارند.

منسجم‌تری نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم نوشته‌اند.

طبق بررسی‌هایی از تجزیه و تحلیل بیست نمونه از انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی انجام گرفت، ویژگی‌های نحوی هر دو گروه از انشاهای تا حدودی به هم شباهت دارند یعنی هر دو گروه از دانش‌آموزان از عوامل نحوی مشابهی استفاده کرده‌اند، به عبارت دیگر، عوامل ربط امتیازی، ربط شرطی و عامل جانمایی در هیچ یک از دو گروه انشا دیده نشد و قابل ذکر است که بیشترین کاربرد عامل انسجام نحوی در عامل ارجاع است که دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم بیشترین استفاده را کرده‌اند همچنین ویژگی‌های واژگانی انشاهای دو پایه سوم و پنجم ابتدایی شامل عامل‌های: باهم‌آیی، هم‌معنایی و تکرار است. با بررسی‌های به عمل آمده، روشن شد که دانش‌آموزان هر دو گروه در انشاهای خود از عوامل انسجام واژگانی استفاده کرده‌اند از آنجا که در دانش‌آموزان پایه پنجم ذخیره واژگانی بیشتری وجود دارد و فرایندهای صرفی بیشتری توسعه یافته است، دانش‌آموزان پایه پنجم انشاهایی با انسجام بیشتر به لحاظ واژگانی نوشته‌اند.

نگارنده در بررسی این پژوهش به این نتیجه رسید که دانش‌آموزان پایه پنجم همگام با افزایش واژگان و آشنایی با قواعد نحوی و استفاده از آنها در نوشتار خود، مهارت نوشتن خود را افزایش می‌دهند شاید بتوان گفت که کتاب بخوانیم و بنویسیم دوره ابتدایی در جمله‌سازی و آشنایی با واژگان سهم بسزایی ایفا می‌کند، پس در نتیجه کتاب بخوانیم و بنویسیم در دوره ابتدایی می‌تواند کمک و راهنمای مناسبی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی باشد و نشان‌دهنده وضعیت نسبتاً مطلوب این کتاب می‌باشد.



۲,۵. نمودار دایره‌ای کلی از انسجام واژگانی در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم و پنجم ابتدایی

با توجه به نمودار فوق درمی‌یابیم که انسجام واژگانی در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم ۲۴,۵۴ درصد و انسجام واژگانی در انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی ۲۶,۲۶ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر، انسجام واژگانی در انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم بیشتر از انسجام واژگانی در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم است. با توجه به نمودارهای فوق معلوم است که تعداد عوامل انسجام نحوی و واژگانی در انشاهای دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی ۷۰ درصد و تعداد عوامل انسجام نحوی و واژگانی در انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی ۷۶,۴۴ درصد است.

بر طبق نتایج به دست آمده از این پژوهش هر دو فرضیه به شرح زیر تأیید می‌گردد. فرضیه اول مبنی بر اینکه ابزارهای نحوی مانند ارجاع، حذف، ربط باعث انسجام بیشتر انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم می‌باشد مورد تأیید می‌باشد. زیرا دانش‌آموزان پایه پنجم از عوامل انسجام ربط، ارجاع و حذف بیشتری در انشاهای خود استفاده کرده‌اند. با توجه به نتیجه به دست آمده فرضیه دوم مبنی بر اینکه افزایش ذخیره واژگانی باعث منسجم‌تر شدن انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم نسبت به دانش‌آموزان پایه سوم است را تأیید می‌کند. زیرا عامل‌های انسجام واژگانی در انشاهای دانش‌آموزان پایه پنجم ۲۶ درصد و دانش‌آموزان پایه سوم ۲۴ درصد نسبت به کل کلمات به کار رفته در انشاهای بوده است، بنابراین دانش‌آموزان پایه پنجم به علت افزایش ذخیره واژگانی خود انشاهای

منابع

5. Beaugrande, Robert De & Dressler, Wolfgang Ulrich, 1981, "Introduction to Text Linguistic", Harlow, Longman.
 6. Brown, Gillian & Yule, George, 1983, "Discourse analysis", London, Cambridge University Press.
 7. Halliday, M.A.K. & Hasan, R., 1976, "Cohesion in English", London, Longman
 8. Halliday, M.A.K. 1985, "An Introduction to functional grammar", London, Webs
 9. Halliday, M.A.K. & Hasan, R., 1989, "Language Context and Text", London, Oxford University Press.
 10. Halliday, M.A.K. 2002, "Written discourse Structure", Linguistic Studies of Text. London, Webster.
 11. Halliday, M.A.K. 2006, "The language of Science", Vol 5. Edited by Jonathan J. Webster, London, Continuum.
 12. Johnstone, Barbara, 2002, "Discourse Analysis", Australia, Black well.
 13. Palmer, R. Frank, 1976, "Semantics". New York, Cambridge university.
 14. Salkie, Raphael, 1995, "Text and Discourse Analysis", London, Routledge.
۱. ابوذر، سمیه، ۱۳۸۶، «بررسی عوامل انسجام بین متنی در نوشته‌های دانش-آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر تهران» پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور.
 ۲. آقاگل‌زاده، فردوس، ۱۳۸۳، «زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن». مجله زبان‌شناسی سال نوزدهم، شماره دوم، صص ۸۹-۱۰۳.
 ۳. البرزی، پرویز، ۱۳۸۶، «مبانی زبان‌شناسی متن» تهران. امیرکبیر.
 ۴. حسن‌نیا، رضا، ۱۳۸۰، «بررسی کاربرد عوامل انسجام متن در نوشتار دانش-آموزان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.